

به نام خدا

شماره چاپ: ۱۱۸

دوره هفتم - سال اول

شماره ثبت: ۱۱۷

تاریخ چاپ: ۱۳۸۷/۴/۶

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه تمدید قانون فعال نمودن هیأت منصفه مطبوعات

برای جلوگیری از تعطیلی اصل یکصد و شصت و هشتم

(۱۶۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- مصوب ۱۳۸۴»

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۳.....	نقد و بررسی
۷.....	نتیجه و پیشنهاد
۸.....	منابع و مأخذ



اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه تمدید قانون فعال نمودن هیأت منصفه مطبوعات برای
جلوگیری از تعطیلی اصل یکصد و شصت و هشتم (۱۶۸) قانون
اساسی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۴»

مقدمه

به تصریح اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند». تفصیل این حکم اجمالی که مسبقاً به برخی سوابق تقنینی از جمله اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی مشروطه^۱ و بعضی قانون‌گذاری‌های عادی بود، در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۷۹ موضوع مقررات قانون مطبوعات واقع شد. مواد (۱۷) تا (۲۴) اصلاحات سال ۱۳۷۹ اجمالاً مقرر می‌داشت که اعضای هیئت منصفه هر دو سال یک بار از میان افراد مورد اعتماد عمومی از بین گروه‌های مختلف اجتماعی در تهران توسط هیئتی مرکب از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر،

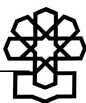
۱. در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود.



رئیس سازمان تبلیغات و نماینده شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه و در مراکز استان مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر مرکز استان، رئیس سازمان تبلیغات و امام جمعه مرکز استان یا نماینده وی انتخاب می‌شوند. اعضای هیئت در تهران ۲۱ و در سایر استان‌ها ۱۴ نفر است. دبیرخانه هیئت منصفه به حکم تبصره «۳» ماده (۱۹) اصلاحی «با بودجه و امکانات قوه قضائیه تشکیل و زیر نظر هیئت منصفه انجام وظیفه می‌کند».

مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ مقرر کرد که انتخاب اعضای هیئت منصفه هر استان از طریق اعلام عمومی و به قید قرعه از میان متقاضیان خواهد بود. تعداد اعضای هیئت منصفه در تهران ۵۰۰، در استان‌های دارای جمعیت بیش از یک میلیون ۲۵۰ و در سایر استان‌ها ۱۵۰ نفر و تعداد اعضای هیئت منصفه هر محاکمه در تهران ۲۱ و در سایر مراکز استان‌ها ۱۴ نفر خواهد بود که به قید قرعه در دبیرخانه هیئت منصفه با حضور نمایندگان دادگستری، شورای شهر و وکیل با نماینده شاکی و متهم انتخاب می‌شوند. برابر ماده (۸) قانون اخیرالذکر «دبیرخانه هیئت منصفه زیر نظر هیئت منصفه انجام وظیفه می‌کند و بودجه آن از محل کمک‌های اهدایی تأمین خواهد شد».

مفاد مقررات قانون سال ۱۳۸۲ جز در شیوه و گستره انتخاب و تعداد اعضا و تأمین منابع مالی دبیرخانه هیئت منصفه تفاوت قابل ملاحظه‌ای با مقررات سابق نداشت. همین چند تفاوت اساسی سبب شد تا بعضی از نمایندگان دوره هفتم مجلس شورای اسلامی به منظور جلوگیری از تعطیل شدن اصل یکصدوشصت و هفتم قانون اساسی به قید فوریت تقاضای تصویب طرح موسوم به «فعال نمودن هیئت منصفه



مطبوعات» کند. طرح مزبور به‌رغم انتقادات و پیشنهادهای راه‌گشای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در نهایت در ۱۳۸۴/۵/۹ به تصویب رسید و مقررات قانون سال ۱۳۷۹ برای مدت یک سال قابل اجرا اعلام شد. پس از انقضای مدت یک سال، مصوبه سال ۱۳۸۴ مجدداً برای مدت دو سال عیناً تمدید اعتبار شد. پایان دو سال مورد اشاره ۱۳۸۷/۵/۹ است. اکنون دولت با تقدیم لایحه حاضر در صدد آن است که عین مصوبه سال ۱۳۸۴ را به مدت دو سال دیگر تمدید کند. استدلال دولت همان استدلالات سابق است: «لزوم بازنگری در قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲ و فراهم آوردن زمینه اجرای آن از جمله تأمین منابع مالی جهت جلوگیری از تعطیلی اصل یکصدوشصت و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به‌منظور ایجاد فرصت مناسب جهت رفع نواقص و اصلاح قانون یادشده».

نقد و بررسی

۱. از لحاظ اصول و قواعد قانون‌گذاری حکم کلی به «لازم‌الاجرا بودن یک قانون منسوخ» هرچند برای مدت زمان محدود، محل اشکال است. قانون منسوخ فاقد حیات حقوقی است و اساساً جزء عناصر و اجزای حقوق موضوعه محسوب نمی‌شود. بنابراین نمی‌توان در قالب یک مقرر مجمل حکم به قابلیت اجرای آن کرد. کما اینکه شورای محترم نگهبان در موارد مشابه ارجاع به قوانین منسوخه را در ضمن قانون‌گذاری‌های تازه مغایر قانون اساسی اعلام کرده است. این شورا پس از بررسی مصوبه مجلس درباره اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۲ طی نامه شماره ۸۰/۱۱/۲۸۷۹، تصریح کرده که: «چون این قوانین منسوخ



گردیده‌اند طرح مجدد آنها منوط به طی مراحل قانونی است. لذا مغایر با اصول ۷۲، ۷۴ و ۹۴ قانون اساسی شناخته شد.....».

براین اساس همان‌طور که شورای محترم نگهبان اعلام کرده راه‌حل احیای مقررات منسوخ تنظیم و تصویب دوباره مفاد آن مقررات و طی تشریفات و مراحل قانونی است. نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا هیئت دولت اگر می‌خواهد مفاد مقررات قانون مطبوعات سال ۱۳۷۹ درخصوص هیئت منصفه را که به حکم ماده (۱۴) قانون سال ۱۳۸۲ ملغی و منسوخ اعلام شده، دوباره احیا کند لازم است طی یک متن تفصیلی مقررات مذکور را تنظیم و برای طی مراحل و تشریفات قانونی تقدیم کند.

۲. اشکال اساسی مجلس و دولت به قانون سال ۱۳۸۲ «فراهم نبودن زمینه اجرا از جمله تأمین منابع مالی» است در نقد این اشکال می‌توان گفت که اولاً برابر ماده (۸) قانون تنها تأمین بودجه دبیرخانه هیئت به کمک‌های اهدایی ارجاع شده و نه همه بودجه اجرای مفاد قانون. خصوصاً با عنایت به اینکه انتخاب دبیر و تشکیل دبیرخانه هیئت منصفه به حکم ماده (۳) قانون فرع بر اعلام عمومی و جمع‌آوری تقاضاهای داوطلبان و انتخاب اعضای هیئت صورت می‌گیرد. نتیجه جمع میان این دو ماده این است که عمده امور اجرایی یعنی فراخوان عمومی، ثبت تقاضاهای واصله، بررسی تقاضاها و شرایط متقاضیان، استقرا و تعیین اعضا، تشکیل اولین جلسه اعضا و انتخاب دبیر و تشکیل دبیرخانه، هیئت منصفه همه از محل بودجه عمومی و صرفاً هزینه «انجام وظیفه دبیرخانه» از محل کمک‌های اهدایی خواهد بود کما اینکه ذیل ماده (۳) قانون سال ۱۳۸۲ مقرر داشته که «امور اجرایی این ماده در هر استان زیر نظر رئیس قوه قضائیه یا فردی که ایشان تعیین می‌کند انجام می‌شود». مرکز



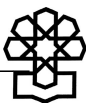
پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در اظهارنظر بهمن ماه سال ۱۳۸۳ به شماره ثبت ۳۰۲ با تکیه بر این استدلال حقوقی که چون دعاوی مطبوعاتی تحت شمول عنوان عام «رسیدگی به دعاوی» قرار می‌گیرد نتیجه گرفته بود که بودجه رسیدگی به دعاوی مطبوعاتی و لوازم و اقتضائات خاص آن از جمله تشکیل هیئت منصفه منطقیاً باید از محل همان بودجه رسیدگی به دعاوی که سالانه از طریق قانون بودجه عمومی در اختیار قوه قضائیه گذاشته می‌شود، تأمین گردد. مرکز پژوهش‌ها در نهایت به‌عنوان راه‌حل نهایی پیشنهاد کرده بود که با اصلاح ماده (۸) قانون سال ۱۳۸۲ به شرح زیر اجرای اصل یکصد و شصت و هشتم از بن‌بست خارج شود:

ماده (۸) دبیرخانه هیئت منصفه زیرنظر (وزارت) دادگستری جمهوری اسلامی ایران انجام وظیفه می‌کند و بودجه آن از محل ردیف بودجه رسیدگی به دعاوی دادگستری تأمین خواهد شد.».

۳. بعد از گذشت نزدیک به پنج سال از تاریخ تصویب قانون ۱۵ ماده‌ای هیئت منصفه انتظار عمومی و منطقی از دستگاه قانون‌گذاری رفع اشکال و فراهم آوردن زمینه‌های اجرایی قانون موجود است و نه حکم به لازم‌الاجرا بودن یک مقرر منسوخ و تمدید پی‌درپی آن. مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۴ به منظور اتخاذ تدابیر و تمهیدات لازم برای اجرای قانون موجود به مدت یک سال به قانون سابق اجازه اجرا داده است و این خود بدان معناست که از نظر مجلس هفتم اتخاذ آن تدابیر و تمهیدات صرفاً به یک سال وقت نیاز داشته است. علی‌رغم این معنی، مجلس در سال ۱۳۸۵ مصوبه سابق خود را برای مدت دو سال دیگر تمدید کرده است. براساس همان منطقی می‌توان گفت در سال ۱۳۸۵ فراهم آوردن زمینه اجرای قانون موجود مستلزم اقدام دولت



است و صرف دو سال زمان برای آن کافی است. اکنون نظر دولت آن است که برآورد مدت زمان‌های سابق از سوی مجلس مبتنی بر اشتباه بوده و دو سال دیگر در این باره باید صرف وقت کرد. دو سؤال اساسی در اینجا وجود دارد نخست اینکه اولاً حکم به تعیین محل تأمین هزینه تشکیل و اداره دبیرخانه هیئت منصفه چه مشکل یا معضل لاینحل یا صعب‌الحلی است که پرداختن به آن نیاز به این همه تأمل و صرف زمان دارد؟ ثانیاً در طول دو دوره تمدید (جمعاً مدت سه سال) چه اقدامات و فعالیت‌هایی برای رفع نقض از قانون موجود صورت گرفته که جمع‌بندی و ثمردهی آن نیازمند یک مدت دو ساله دیگر است؟ فراهم آوردن زمینه اجرای قانون سال ۱۳۸۲ چنان دشوار نیست که مجلس و دولت نیاز به ۵ سال وقت داشته باشند و ظاهراً طی ۵ سال گذشته اقدامات و فعالیت‌های مؤثری در این باره صورت نگرفته است. به نظر نمی‌رسد که اعتبار اصول قانون اساسی، نظام قضایی کشور و حقوق اصحاب دعوا که در مجموع اعتبار نظام محسوب می‌شوند از جمله مسائل و مفاهیمی باشند که به دست مسامحه سپرده شوند و هر چند سال یک بار با تقدیم یک طرح یا لایحه اجمالی مبنی بر تمدید مدت اجرای مقررات سابق و احاله رفع نقض از مقررات موجود به آینده نامعلوم رفع تکلیف کرد. ماده (۱۵) قانون سال ۱۳۸۲ تدوین و تصویب آیین‌نامه اجرایی آن را وظیفه وزارتخانه‌های دادگستری، فرهنگ و ارشاد اسلامی و هیئت دولت اعلام کرده بود. وزارتخانه‌های موصوف و هیئت دولت برای انجام این وظیفه قانونی چه اقداماتی صورت داده‌اند؟ مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌های سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به طور ضمنی وعده رفع نقض از قانون موجود و فراهم کردن زمینه‌های اجرای آن را داده است. دولت می‌بایست در مقدمه توجیهی لایحه خود اقداماتی را که



برای اجرای قانون جدید انجام داده و در دست اجرا دارد مشخص می‌کرد تا معلوم شود چرا باید قانون منسوخ را برای مدتی دیگر اجرا کرد.

نتیجه و پیشنهاد

- حضور هیئت منصفه در جلسات زسیدگی به اتهامات سیاسی و مطبوعات به حکم اصل یکصدوشصت و هفتم قانون اساسی الزامی است و بدون حضور آن جلسات دادگاه فاقد رسمیت و مشروعیت است.

- مقررات سال ۱۳۷۹ در خصوص هیئت منصفه به حکم ماده (۱۴) قانون فعلی منسوخ و غیرقابل احیا و ارجاع هستند. شورای محترم نگهبان سابقاً در موارد مشابه بر این نکته تأکید کرده است.

- قانون تشکیل هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ جز در خصوص گستره و شیوه انتخاب اعضای هیئت منصفه و منبع تأمین هزینه اداره دبیرخانه هیئت با مقررات سال ۱۳۷۹ تفاوت اساسی دیگری ندارد. این تفاوت‌ها در مادتين (۵) و (۸) قانون سال ۱۳۸۲ رخ داده است. با اصلاح مقررات این دو ماده اشکالات موجود رفع می‌گردد.

- بنا به مراتب، پیشنهاد می‌گردد در قالب یک ماده واحده:

تبصره «۳» ماده (۱۹) اصلاحات سال ۱۳۷۹ به عین عبارت جایگزین ماده (۸) قانون سال ۱۳۸۲ گردد. متن آن تبصره چنین است: «دبیرخانه هیئت منصفه با بودجه و امکانات قوه قضائیه تشکیل و زیر نظر هیئت منصفه انجام وظیفه می‌نماید».

در هر حال عمل به پیشنهاد فوق‌الذکر راه حل مشکل مورد نظر دولت و مجلس یعنی فراهم آوردن زمینه اجرای قانون مصوب سال ۱۳۸۲ است. در صورت عدم



پذیرش آن پیشنهاد منطقیاً باید دولت یا مجلس متنی منقح تحت عنوان قانون هیئت منصفه تدوین و از مراحل تصویب و تأیید بگذرانند و به رویه نامتعارف فعلی یعنی اجازه اجرای قانون منسوخ و تمدید پی‌درپی آن پایان دهند.

منابع و مآخذ

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی.
۲. قانون مطبوعات.
۳. قانون هیئت منصفه.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۱۲۸

عنوان گزارش: اظهارنظر کارشناسی درباره: «لایحه تمدید قانون فعال نمودن هیأت منصفه مطبوعات برای جلوگیری از تعطیلی اصل یکصد و شصت و هشتم (۱۶۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۴»

Report Title:

نام دفتر: مطالعات حقوقی

تهیه و تدوین: —

مدیر مطالعه: جلیل امیدی

ناظر علمی: همایون حبیبی

همکاران: طهمورث قاسمی (مطالعات فرهنگی)

همکاران خارج از مرکز: —

اظهارنظرکنندگان خارج از مرکز: —

ویراستار ادبی: —

ویراستار تخصصی: جلیل امیدی

متقاضی: کمیسیون قضایی و حقوقی

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها:

۱. هیئت منصفه (Jury)

۲. مطبوعات (Press)

۳. قانون اساسی (Constitution)

تاریخ شروع مطالعه: ۱۳۸۷/۴/۱۵

تاریخ خاتمه مطالعه: ۱۳۸۷/۵/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۵/۱۴